

حکم فقهی جزئیت بسم الله الرحمن الرحيم در سوره حمد

سیداسحاق حسینی کوهساری*

استادیار دانشکده فقه و فلسفه، پردیس قم دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۸۹/۱/۲۵؛ تاریخ تصویب: ۸۹/۴/۱۱)

چکیده

با توجه به این که سوره حمد به عنوان سرآغاز نماز «لا صلوه الا بفاتحة الكتاب» حداقل «ده بار» در نمازهای پنج‌گانه تکرار می‌شود، بحث فقهی جزئیت بسمله در سوره حمد و در بقیه سوره‌ها با توجه به اختلافی که پدید آمده است، بحثی است کاربردی، لذا باید دید جزئیت آن ریشه در سنت نبوی ﷺ دارد و در نتیجه انکار آن «اجتهاد در مقابل نص» است و یا اجتهادی محض؟

در این مقاله پس از بیان تاریخچه بحث، و بیان نظریه‌ها با «ادله یازدگانه» روشن شده است که: پیامبر ﷺ به عنوان جزء در هر نماز چهار به «بسمله» داشته، صحابه هم شهادت چهار به «بسمله» پیامبر ﷺ داده‌اند، روش خلفا هم در نمازها چهار به «بسمله» بوده است، شهادت اصحاب قرائت نیز «چهار بسمله» و جزئیت آن بوده است، تواتر روایات، سیره مسلمانان و مصاحف صحابه و تابعان نیز همه موید جزئیت است، لذا شیعیان بر اساس احادیث اهل بیت: اتفاق نظر در این باره دارند. نقد و بررسی «ادله چهارگانه» منکران جزئیت و بیان نتایج پایان بخش مقاله است.

واژگان کلیدی

حمد، بسمله، جزئیت، سنت، اجماع.

مقدمه

خواندن سوره حمد در نماز واجب است. از آنجا که «بسم الله الرحمن الرحيم»، جزئی از سوره‌ها بویژه سوره «حمد» است، خواندن آن نیز واجب است. از طرف دیگر، با توجه به تاریخچه موضوع، این مسئله یک موضوع سیاسی است. چندان که جهر به «بسم الله» از شعائر شیعه و به تعبیر شیخ طوسی و صاحب جواهر، از شعائر مذهب اهل بیت است. در مقابل، امویان در صدد نفی جزئیت بسم الله و دست‌کم در پی اخفات قرائت آن بوده‌اند، لذا دفاع منطقی از این نظریه نوعی دفاع از مذهب اهل بیت است. هم خواهد بود.

سؤالات محوری

سنت و روش عصر پیامبر 6 و عصر خلفا، قرائت حمد با بسم الله بوده است یا خیر؟

نظر صحابه و تابعان در این باره چیست؟

علت اختلاف در مسئله از کجا آغاز شده است؟

نظر اهل بیت در این باره چیست؟

طرح بحث

در این مقاله پس از بیان تاریخچه بحث و بیان «نظریات پنج‌گانه» جزئیت بسم‌الله. نخست استدلال‌های نظریه شیعه و اکثریت اهل سنت را که معتقد به جزئیت می‌باشند، می‌آید. سپس به نقد و بررسی نظریه منکران، پرداخته خواهد شد.

تاریخچه بحث

بر اساس روایات متواتر، «بسم الله الرحمن الرحيم» که به اختصار از آن به «بسمله» تعبیر می‌شود، سرآغاز تمام سوره‌های قرآن، به استثنای سوره براءت است. بسمله در عصر پیامبر 7 و خلفای راشدین، در هر دو رکعت نماز، به صورت جهر قرائت می‌شد. تا این که «معاویه» در نماز جماعت مدینه «بسمله» را تلاوت نکرد، و مورد اعتراض قرار گرفت

و در جواب اعتراض «صحابه» گفت: فراموش کرده‌ام (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸). ولی پس از بازگشت به دارالخلافه شام، قرائت «بسمله» را در آغاز سوره حمد ترک کرد. سپس استانداران از او متابعت کردند. بیهقی می‌نویسد: سنت این بود که «بسم الله الرحمن الرحيم» قرائت می‌شد و اولین کسی «بسم الله» را پنهان نمود، عمرو ابن سعید بن عاص «والی معاویه» در مدینه بود که مردی با حیا و شرمسار بود (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸).

سؤال این است: اگر والی معاویه «عمرو بن سعید» مردی باحیا بود و شرمساری او علت بلند نخواندن بسم الله است؟ چرا باعث نشد، بقیه آیات و سوره‌ها را به صورت سر نخواند؟ آیا غیر از این است که موضع تلاوت بسم الله به صورت غیر جهری او نمایانگر موضع‌گیری سیاسی او به عنوان والی معاویه است؟

پس از آن بازار جعل احادیث داغ شد. در آن احادیث ادعا می‌شد که: پیامبر ۶ هم در نماز «بسمله» را قرائت نمی‌کرد، یا در آغاز از «بسمک اللهم» استفاده می‌کرد. تا این که عبارت کامل «بسم الله الرحمن الرحيم» در سوره «نمل» نازل و سپس به این صورت رایج شد (عسکری، ۱۳۸۲، ص ۶۷).

روایت امام صادق ۷ در این باره چه رسا و حساب شده است که می‌فرمود: خدا آنان را بکشد، در مورد بزرگ‌ترین آیه کتاب خدا «بسم الله الرحمن الرحيم» گمان کردند که اگر آشکارش کنند بدعت است (طوسی نجفی، ۱۳۷۹، ص ۵۸۸).

موضع‌گیری سیاسی معاویه و والی او «عمرو بن سعید» و روایات جعلی فوق نشان می‌دهد، که «بسمله» در آغاز نزول سوره‌ها، نازل نشده است و روایات متناقض، موجب اختلاف بین مسلمانان گردید. ولی شیعیان با افتاق و تمسک به اهل بیت، معتقد به جزئیت «بسمله» در سوره حمد و بقیه سوره‌ها شدند، و اکثر اهل سنت هم با این نظر موافقت. سیوطی در اتقان، ادعا کرده است که روایات درباره آن متواتر است (سیوطی، ۱۴۰۹، صص ۱۳۵ و ۱۳۶). آلوسی می‌گوید: فخر رازی برای اثبات جزئیت، «شانزده» دلیل اقامه نموده است و سپس خود به بیان «ده دلیل» اکتفا می‌کند (آلوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۲). شیخ بهایی نظرات در این باب را در پنج قول زیر خلاصه نمود (بهایی، ۱۴۲۷، ص ۲۶):

نظریه اول: جزئیت در همه سوره‌های قرآن به جز برائت، که مذهب اهل بیت است :

(طوسی، ۱۳۶۵، ص ۲۸۹). فقهای مکه، کوفه و قاریان آنان به جز «حمزه» بر این نظرند، و به نقل از زمخشری، جصاص و ابن کثیر، «سعید بن جبیر، ابن مبارک و قالون (از قاریان مدینه) و اکثر شافعیه موافق این نظرند» (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ص ۱۸).

نظریه دوم: جزئیت فاتحة الكتاب: حمزه یکی از قاریان معروف و بعضی از شافعیه و احمد بن حنبل «بسمله» را جزئی از سوره حمد قلمداد نموده‌اند، ولی در بقیه سوره‌ها معتقد به جزئیت نشده‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۹).

نظریه سوم: جماعتی هم مانند: مالک، ابوعمر و یعقوب آن را آیه‌ای مستقل پنداشته‌اند، که نه جزء سوره حمد است و نه جزء بقیه سوره‌ها؛ بلکه به عنوان «تیمن و تبرک» در آغاز سوره‌ها و فواصل سوره‌ها نازل شده است. این قول مشهور ابی حنیفه، و قول راجح متأخران از فقهای حنفی است (آلوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۹)؛ اگر چه مشهور بین قدمای آنها است.

نظریه چهارم: «بسمله» غیر از جزئی از سوره نمل نازل نشده است: قاریان بصره، شام و مدینه به جز قالون و از فقها «مالک و اوزاعی» بر این نظرند که از قاریان «کوفه» فقط «حمزه» موافقشان می‌باشد (زمخشری، ۱۴۰۷، صص ۲۴ و ۲۵).

نظریه پنجم: به عدد سوره‌ها نازل شده است، نه به عنوان جزئیت با سوره تالی: صاحب «النشر» به احمد بن حنبل و داود نسبت داده است (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ص ۱۸).

ولی اکثر «حنفیه» قرائت «بسمله» را در آغاز نماز «واجب» دانسته‌اند؛ زیرا روایت صحیح از ابی حنیفه در این باب وارد شده است.

اما «مالک» تنها قرائت «بسمله» را مکروه دانسته، ولی برای خروج از خلاف، آن را استحباب شمرده است.

ادله جزئیت (بسمله)

دلیل اول: نظریه صحابه و تابعان

یکم: ابن عباس: «بسم الله الرحمن الرحيم» آیه مستقل است.

دوم: طلحه بن عبدالله: ترک بسم الله: «فقد ترک آية في كتاب الله».

سوم: انس صحابه پیامبر ۶: قرائت سوره حمد پیامبر ۶ همواره با «بسم الله الرحمن الرحيم» بوده است (ابن حنبل، بی تا، ص ۱۰۲).

چهارم: عبدالله ابن عمر می گوید: بسم الله در همه سوره ها نازل شده است؛ «نزلت بسم الله... فی کلّ سورة» (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۷).

پنجم: ابن عباس گفته است: هر وقت جبرائیل «بسم الله» را قرائت می نمود، پیامبر ۶ می دانست سوره جدیدی نازل شده است، «فقرأ بسم الله، علم أنّها سورة» (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۷). ششم: نظیر آن روایت ابن عباس است: «فإذا نزلت عرف ان السورة قد ختمت واستقبلت أو ابتدئت سورة أخرى» (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۷).

هفتم: ابن عباس در روایت دیگر متذکر می شود: «قال كان المسلمون لا يعرفون انقضاء السورة حتى تنزل بسم الله الرحمن الرحيم فإذا نزلت عرفوا ان السورة قد انقضت» (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۷).

هشتم: از ابن مسعود نقل شده است: فاصله بین سوره ها را درک نمی کردیم، تا این که «بسم الله الرحمن الرحيم» نازل می شد (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۷).

نهم: سعید ابن جبیر می گوید: در عصر پیامبر ۶ انقضای سوره را با «بسم الله الرحمن الرحيم» می دانسته اند. وقتی بسم الله نازل می شد، می دانسته اند سوره ای تمام شده و سرآغاز سوره دیگری است (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۷).

دهم: ابن عباس روایت می کند: از حضرت علی ۷ پرسیدم: چرا بسم الله در آغاز سوره برائت نوشته نشد؟ فرمود: زیرا بسم الله امان است و سوره برائت اعلان جنگ (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۷).

دلیل دوم: قرائت «بسمله» پیامبر ۶ به عنوان جزء در هر نماز

یکم: روایت ام سلمه: «پیامبر ۶ سوره حمد را، جدا جدا و آیه به آیه قرائت می نمود. و در آغاز سوره حمد «بسم الله الرحمن الرحيم» را تلاوت می کرد» (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۷).

آلوسی در روح المعانی پس از استناد به روایت فوق ادعا می کند روایت در موضوع صراحت دارد: «وهذا نص صريح» (آلوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۲).

روایت دیگر از ام سلمه نظیر این روایت است که فرمود: قال هی سبع یا أم سلمة (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۴).

دوم: ابن عباس روایت نمود: پیامبر ﷺ نمازها را با «بسم الله الرحمن الرحيم» شروع می‌کرد (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸).

روایت سعید ابن جبیر از ابن عباس درباره آیه سبع مثانی که پرسید: آیه هفتم کدام است؟ فرمود: بسم الله الرحمن الرحيم (آلوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۲).

سوم: جابر بن عبدالله انصاری گفت: نزد پیامبر ﷺ نماز خواندم و با شروع کردم، فرمود: با «بسم الله الرحمن الرحيم» شروع کنید (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸). نظیر آن روایت ثعلبی از جابر است (آلوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۲). دارقطنی از حضرت علی ۷ از پیامبر ﷺ است (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸)، و روایت از حضرت علی ۷ (آلوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۲). چهارم: نافع یکی از قاریان معروف از عبدالله ابن عمر روایت نمود: که نماز را با «بسم الله الرحمن الرحيم» شروع کرد و گفت: من از پیامبر ﷺ چنین شنیده‌ام (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸). پنجم: ابی هریره گفت: پیامبر ﷺ در اقامه و امامت نماز جماعت سوره حمد را با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز می‌نمود (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۳).

روایت دیگر از ابی هریره است که: «قال ﷺ: «فاتحة الكتاب سبع آيات أولاهن بسم الله الرحمن الرحيم» (آلوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۲).

ششم: قتاده از انس صحابی پیامبر ﷺ روایت نمود: از نماز پیامبر ﷺ پرسیدم، گفت: سوره حمد را با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز می‌نمود (بیهقی، بی تا، ص ۴۳). هفتم: ابی هریره روایت نمود: پیامبر ﷺ دستور داد سوره حمد را با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز کنیم (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۳).

هشتم: ابی هریره گفت: در مسجد در محضر پیامبر بودیم، شخصی مشغول نماز شد. بدون «بسم الله»، گفت: «الحمد لله رب العالمين». پیامبر که می‌شنید. فرمود: نماز را باطل کردی. مگر نشنیدی «بسم الله الرحمن الرحيم» جزء سوره حمد است؟ کسی که «بسم الله» را ترک کند، ترک «آیه» نموده است و کسی که ترک آیه کند، نماز او باطل است (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۲).

نهم: روایت ابی برده از پیامبر ﷺ که فرمود: به چه چیزی قرآن را آغاز می‌کنید؟ گفتیم: «بسم الله الرحمن الرحيم». فرمود: همان است، همان است (آلوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۲).

دلیل سوم: پیامبر ۶ و جهر به «بسمله» در نمازها

دلیل دیگر بر جزئیت، روایاتی است که براساس آن، پیامبر ۶ همواره در نماز «بسم الله..» را به صورت «جهر» قرائت می نمودند.

تقریر استدلال «جهر به بسم الله» برای جزئیت بسم الله، آن است که اگر بسم الله جزء سوره نبود، معنی نداشت که پیامبر ۶ همواره و بدون استثنا در قرائت و تلاوت سوره، با «بسم الله» آغاز کنند. بر این اساس روایات زیر، دلالت بر جهر به «بسم الله» دارند. در عین حال گویای آنند که «بسم الله» جزء سوره است؛ زیرا پیامبر ۶ همواره در نماز، آن را قرائت می نمودند.

روایات جهر به «بسم الله» زیاد است. به عنوان نمونه به برخی از آنها اشاره می شود:

یکم: ابی هریره روایت نمود: پیامبر ۶ فرمود: جبرائیل مرا تعلیم نماز داد و بسم الله را در هر رکعت به صورت جهر قرائت نمود (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸). نظیر آن روایت دارقطنی، از نعمان ابن بشیر انصاری (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸).

دوم: عایشه روایت نموده است: پیامبر ۶ همواره «بسم الله الرحمن الرحيم» را در نمازها به صورت «جهر» قرائت می نمود (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸).

سوم: علی ابن ابی طالب ۷ فرمود: پیامبر ۶ در همه دو رکعت نماز «بسم الله» را به صورت جهر قرائت می فرمود (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸).

چهارم: ابن طفیل از حضرت علی ۷ و عمار یاسر روایت نمود: پیامبر ۶ در نوشته‌ها «بسم الله الرحمن الرحيم» را به صورت جهر القا می فرمودند، تا نگاشته شود (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸).

پنجم: ابی هریره روایت نمود: پیامبر ۶ همواره، «بسم الله الرحمن الرحيم» را به صورت جهر قرائت می نمود (بیهقی، بی تا، ص ۴۷).

ششم: ابن طفیل گفت: از پیامبر ۶ شنیدم، که همواره جهر به «بسم الله» داشت (بیهقی، بی تا، ص ۴۷).

هفتم: انس ابن مالک صحابی پیامبر ۶ روایت نمود: از پیامبر ۶ شنیدم، که جهر به «بسم الله» داشت (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸).

هشتم: نعمان بن بشیر از پیامبر روایت نمود که جهر به «بسم الله» داشت (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸).
 نهم: حکم بن عمیر که از بدریان است، نقل نمود که پشت سر پیامبر ۶ نماز خواندیم
 که جهر به «بسم الله» داشت در نماز شب و عشا و نماز جمعه (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸).

دلیل چهارم: شهادت صحابه در جهر به «بسم الله» پیامبر ۶

یکی از ادله جزئیت «بسم الله» شهادت صحابه پیامبر ۶ است که: پشت سر
 پیامبر ۶ نماز خواندیم و پیامبر ۶ در نمازها «بسم الله الرحمن الرحيم» را قرائت
 نمود و به صورت جهر بود. شهادت جهر به «بسم الله» به صورت همیشگی، دلالت می‌کند
 که «بسم الله» جزء سوره بود، و هیچ وقت بدون آن تلاوت نمی‌شد. به عنوان نمونه:
 یکم: عبدالله ابن عمر: پشت سر پیامبر ۶، ابی بکر و عمر نماز خواندم و همگی
 همواره «بسم الله الرحمن الرحيم» را، در آغاز سوره حمد به صورت بلند «جهر» قرائت
 کرده‌اند (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸).

دوم: انس بن مالک: پیامبر ۶ همواره قبل از سوره حمد «بسم الله الرحمن
 الرحيم» را به صورت جهر در نماز قرائت می‌فرمود (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸).
 سوم: انس بن مالک: پشت سر پیامبر ۶، ابی بکر، عمر، عثمان و علی ۷ نماز خواندم،
 که همه آنها همواره «بسم الله الرحمن الرحيم» را بلند قرائت می‌نمودند (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸).
 چهارم: نافع از ابن عمر: از پیامبر ۶ «بسم الله الرحمن الرحيم» را در ام الكتاب و
 سوره پشت سر آن شنیده است و لذا در اول سوره تلاوت می‌نمود (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸).

دلیل پنجم: شهادت و روش خلفا در جهر به «بسم الله» نماز پیامبر ۶

کیفیت دلالت در شهادت جهر به «بسم الله»، در جزئیت سوره حمد این است. که خلفا
 با مقام رسمی خلافت، در نمازها، جهر به بسم الله داشته‌اند. اگر «بسم الله» جزء سوره نبود
 و یا جهر جایز نبود، با «مخالفت صحابه و تابعان» رو به رو می‌شدند. چنان‌که قرائت نکردن
 بسم الله در مسجد النبی، «توسط معاویه» مورد اعتراض صحابه قرار گرفت. او در برابر انتقاد
 تند صحابه: «آیه قرآن را به سرقت برده‌ای» ناچار به عذرخواهی شد (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸).
 یکم: پیامبر ۶: ابی هریره در نماز بسم الله را به صورت جهر قرائت می‌کرد و گفت:

شبهه‌ترین به نماز پیامبر ۶ جهر به بسم الله است، «نسایی، ابن خزیمه، ابن حیان، حاکم، دارقطنی، خطیب بغدادی و بیهقی پس از نقل روایت آن را صحیح دانسته‌اند (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ص ۱۶).

دوم: علی بن ابی طالب ۷: عبدالرحمن بن بزی و شعبی از آن حضرت روایت کرده‌اند: پشت سر پیامبر ۶ نماز خواندیم که جهر به «بسم الله» داشت. و فرمود: کسی که بسم الله را ترک کند نماز او ناقص است، «وکان یقول: من ترک قرائتها فقد نقص». روایت دیگر هم از حضرت علی ۷ (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸).

سوم: عبادله: «ان العبادلة كانوا يستفتحون القراءة بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَيَجْهَرُونَ بِهَا» عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمر و عبدالله بن الزبیر (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸).

چهارم: عمر بن خطاب: عبدالرحمن بن بزی گفت: پشت سر خلیفه عمر بن خطاب نماز خواندم، که جهر به بسم الله داشت (بیهقی، بی تا، ص ۴۹).

پنجم: عبدالله بن زبیر: ازرق بن قیس روایت کرد: پشت سر عبدالله بن زبیر نماز خواندم، که جهر به بسم الله داشت (بیهقی، بی تا، ص ۴۹).

ششم: مهدی عباسی: دارقطنی از یحیی بن حمزه: پشت سر مهدی خلیفه عباسی نماز خواندم، که «جهر به بسم الله» داشت و گفت این نماز رسول خدا است (دارقطنی، بی تا، ص ۲۰۳).

هفتم: روایت حضرت علی ۷ و عمار آمده است که هر دو گفته‌اند: پیامبر ۶ حتی در نوشتار و مکتوبات هم «جهر به بسم الله» داشت (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸).

دلیل ششم: شهادت اصحاب قرائت درباره «جهر بسم الله» و جزئیت آن

یکم: علی ۷: سیوطی و بیهقی در سنن، از حضرت علی ۷ روایت نموده‌اند: ترک قرائت بسم الله، موجب نقصان نماز خواهد شد و اصحاب قرائت براساس این روایت، قرائت بسم الله و جهر به آن را، واجب شمرده‌اند: «من ترک قرائتها فقد نقص» (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸).

دوم: ابن عباس: بیهقی از ابن عباس نقل می‌کند: قرائت پیامبر ۶ آغاز به بسم الله و جهر آن بوده است (بیهقی، بی تا، ص ۴۷).

سوم: ابن شهاب: ذهبی از ابن شهاب روایت نموده است: سنت و روش پیامبر ۶ در نمازها، آغاز نمودن به «بسم الله»، و جهر به آن بوده است (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸).

چهارم: ابن‌زبیر: در سنن بیهقی از عبدالله بن زبیر روایت نمود: که جهر به بسم الله داشته و منع از جهر را ناشی از کبر و نخوت می‌شمرد (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸).

پنجم: عبدالله بن عمر: نافع یکی از قاریان معروف از عبدالله بن عمر، به مضمون فوق (بیهقی، بی‌تا، ص ۴۴). سیوطی پس از نقل روایت فوق می‌نویسد: عبادله «عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمر، عبدالله بن زبیر» هر سه جهر به بسم الله داشته‌اند (بیهقی، بی‌تا، ص ۷).

ششم: فقها و قاریان مکه و کوفه: محمد بن کعب قرظی یکی از قاریان و مفسران می‌گوید: فقهای مکه، عطاء طاوس یمانی، مجاهد بن جبر، سعید بن جبیر، ابی بن کعب و بقیه صحابه و تابعان، همگی جهر به «بسم الله الرحمن الرحیم» داشته‌اند (بیهقی، بی‌تا، ص ۷).

قاریان کوفه مثل عاصم، کسایی و اغلب اصحاب «شافعیه» هم با این نظر موافقتند. سیوطی می‌نویسد: اکثر قاریان مکه و کوفه و اکثر فقهای حجاز، به آن معتقدند (آلوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۹).

دلیل هفتم: تواتر روایات

فخر رازی در تفسیر کبیر می‌نویسد: به نظر من، نقل متواتر، ثابت می‌کند: «بسم الله الرحمن الرحیم» کلام نازل شده بر پیامبر ﷺ در مصحف نگاشته شده است. بعد اضافه می‌کند: در مصحف، علامات و اسامی سوره‌ها حتی نگاشته نمی‌شد، مبدا قرآن دچار تحریف شود. پس اجماع در کتابت بسم الله، در آغاز سوره‌ها دلالت بر جزئیت «بسم الله» دارد (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۷).

سیوطی در اتقان در مقابل منکران تواتر می‌نویسد: در متواتر بودن «بسم الله» کفایت می‌کند، وجود «بسم الله» در سوره‌ها، در حالی که «اسامی سوره‌ها» و «اعشار» را نمی‌نگاشته‌اند و همین امر کفایت از جزئیت می‌کند؛ زیرا «اجماع صحابه و تابعان بر نگارش بسم الله» در آغاز سوره‌ها دلالت بر جزئیت می‌کند سپس اضافه می‌کند: اگر «بسم الله» جزء سوره نبود، صحابه، در نگارش بدون علامت و تمییز آن نمی‌داشتند تا «موجب اشتباه مسلمانان» شود، که اعتقاد داشته‌اند از قرآن است و این عمل با اعتقاد صحابه سازگاری ندارد و اگر گفته شود: فقط برای نشان دادن فاصله بین سوره‌ها است، در جواب گفته می‌شود: چرا در سوره برائت و انفال به عنوان فاصله نیامده است؟ (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸۰).

فخر رازی پس از نقل داستان نماز بدون بسم الله معاویه و اعتراض صحابه، می نویسد: این روایت دلالت بر اجماع صحابه می کند که بسم الله را جزء قرآن و جزء فاتحة الكتاب شمرده و جهر به بسم الله را هم لازم می دانستند، وگرنه همگی یک دست اعتراض نمی کردند (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۱۷۶).

دلیل هشتم: سیره مسلمانان

سیره و روش مسلمانان در قرائت و تلاوت قرآن از صدر اسلام تاکنون از دو طریق بوده است:

الف) کتابت قرآن و قرائت آن نزد قاریان و کاتبان وحی.

ب) مهم تر از آن، قرائت قرآن و حفظ آن در قلوب بود که امری رایج بین مسلمانان بود. حافظان قرآن در طول تاریخ جایگاه خاص و ویژه ای داشته اند (حکیم، ۱۴۲۰، صص ۱۴۷ و ۱۴۸). بر این اساس، تقریر استدلال به سیره مسلمانان، به مقدمات سه گانه زیر برمی گردد: یکم: بدون شک، در زمان پیامبر ﷺ و سپس در عصر خلفا، متواتراً ثابت شده است، که مسلمانان همواره به تبعیت از پیامبر ﷺ، در نماز سوره حمد و بقیه سوره ها «بسم الله الرحمن الرحيم» را قرائت می کرده اند، مگر سوره براءت.

دوم: اگر «بسم الله» جزء قرآن و سوره نبود، از طرف پیامبر ﷺ تصریح به نفی آن می شد؛ زیرا تصریح نمودن پیامبر از نوع «اغراء به جهل» است که از شخص حکیم قبیح است و اگر این «اغراء به جهل» نعوذ بالله به پیامبر ﷺ برگردد، قبح آن شدیدتر خواهد بود. سوم: اگر پیامبر ﷺ تصریح به نفی جزئیت و عدم قرائت بسم الله می کرد، با توجه به قرائت آن در نمازهای واجب و ضروری بودن آن، به صورت تواتر، به ما می رسید، در حالی که به صورت خبر واحد هم، به ما نرسیده است (خویی، ۱۴۰۸، ص ۴۷۴). نتیجه می گیریم که «بسم الله» جزء سوره بوده و مسلمانان در زمان پیامبر ﷺ و صحابه، آن را تلاوت و قرائت می نمودند.

دلیل نهم: مصاحف صحابه و تابعان

تقریب استدلال به مصاحف صحابه و تابعان نیازمند به امور زیر است:

یکم: کتابت مصحف شریف، در عصر پیامبر ۶، تحت مراقبت رسمی انجام می‌شد. مصاحف، چه قبل از جمع عثمان، و چه بعد از آن، از صحابه و تابعان، مشتمل بر «بسم الله الرحمن الرحیم» در اول سوره‌ها به غیر از سوره براءت بوده است.

دوم: روش صحابه و تابعان این بود که در کتابت مصحف، حتی از نگاشتن علامت‌های جزء و حزب و.. خودداری می‌کردند؛ مبادا که زمینه ساز تحریف قرآن شود. سوم: گفته شد که نگارش «بسم الله» در «آغاز سوره‌ها» برای تعیین فاصله‌ها است. سؤال این است که چرا در سوره براءت نیامده است؟ و در آغازین سوره، سوره سابقه وجود نداشته است، تا نیازی برای بیان فاصله باشد.

پس معلوم است که تواتر صحابه و تابعان، بر نگارش بسم الله دلالت بر جزئیت بسم الله، در سوره‌های قرآن، به جز «سوره براءت» دارد.

برخی (حکیم، ۱۴۲۰، ص ۱۷۷) مطرح نموده‌اند: این روش دلیل بر جزئیت نیست، بلکه دلیل بر شعار بودن و تبرک است؛ زیرا مذاهب دیگر که معتقد به جزئیت نیستند، مراعات رسم الخط را می‌نمایند.

در جواب می‌توان گفت: اولاً: قرآن موجود همان قرآن مکتوب به دست کاتبان وحی و صحابه و تابعان است که نسل به نسل به ما رسیده است و صحابه و تابعان قرآن را با بسمله معامله می‌نمودند، نه این که تیمُّنا و تبرُّکا از آن بهره جسته باشند. و ثانیاً: اجماع مسلمانان صدر اسلام نشانگر این است که صحابه «بسمله» را وحی تلقی می‌نمودند و آن را تلاوت و کتابت می‌کردند. نه تنها هیچ دلیلی بر انکار جزئیت وجود ندارد، بلکه اعتراض همگانی به معاویه و روایات دیگر، به صراحت، دلالت بر جزئیت می‌کند. با عبارت: «سَرِقَتْ؟ أَمْ نَسِيتَ؟» فخر رازی می‌نویسد: مگر نه این است که حتی از نگارش علامات تلاوت مانند: «اعشار» و «اخماس» ابا داشته‌اند تا غیر قرآن داخل در قرآن نشود؟ در این صورت اگر بسمله جزء قرآن نبود اجماع بر کتابتش به عنوان رسم الخط قرآن نمی‌داشتند (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۱۷۵).

دلیل دهم: اتفاق شیعیان

صاحب جواهر جزئیت «بسم الله» را مشهور بین اصحاب دانسته و با استناد به «معتبر»

نوشته است: بلکه اختلافی در آن مشاهده نشده است: «بل لا خلاف فيه بينهم كما عن المعبر» بلکه در کتاب «منتهی» آن را مذهب اهل بیت : دانسته است. و نصوص درباره جزئیت، اگر متواتر نباشد، مستفیضه است. مانند اجماعات باب، بلکه جزئیت بسم الله در هر سوره مورد اجماع است و نصوص هم دال بر این امر است. اگر چه به اندازه جزئیت «بسم الله» در سوره حمد نیست: «بل عن المنتهی أنه مذهب اهل البیت، بل النصوص مستفیضة فيه، ان لم تکن متواترة کالاجماع علی ذلك، بل وعلی جزئتها من کلّ سورة» (نجفی، بی تا، ص ۱۷۵).

و در جهر به «بسم الله» هم شهرت عظیم در حد اجماع است و در کتب تذکره و معتبر هم ادعای اجماع شده و در کتاب کنزالعرفان و کتاب خلاف تصریح به اجماع شده، بلکه در کتاب ذکری و غیر آن «جهر به بسم الله» از «شعائر شیعه» قلمداد شده است. و حتی ابن عقیل پذیرفت که تواتر روایت وجود دارد و در جهر به بسم الله جای «تقیه نیست» (نجفی، بی تا، ص ۲۹۶). و در جامع احادیث شیعه آیت الله بروجردی آمده است: اجماع شیعه در «جزئیت بسم الله» در سوره و در «جهر به بسم الله» آن است (طبرسی، ۱۳۷۲، ص ۱۸).

مخفی نماند که حجیت اجماع از نظر شیعه: از باب کاشفیت از قول معصوم : و یا کاشفیت از حجت است، ولی اجماع در باب بسم الله بالاتر از آن است؛ زیرا:

الف) نشانگر امری متفق علیه بین همه مسلمانان است. زیرا که حضرت علی ۷ به اتفاق مسلمانان و نویسندگان علوم قرآنی و تفسیر، مؤسس علم تفسیر و یکی از کتاب وحی و اعلم صحابه، در تفسیر است. زمانی که این امر به اجماع امامیه اضافه شود، کاشف از رأی صحیح ائمه در جزئیت بسم الله است و مولی علی اعلم مفسران در این باره است.

ب) با توجه به روایت متواتر حدیث (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۱۰۰)، اهل بیت از قرآن جدا نمی شوند و با حق غیر قابل افتراق، پس رأی و نظرشان حق است که همان جزئیت بسمله است (حکیم، ۱۴۲۰، صص ۱۴۰ و ۱۴۱).

دلیل یازدهم: احادیث اهل بیت :

روایات صحیح ائمه اهل بیت : که عدل قرآن هستند، تصریح می کنند «بسم الله الرحمن الرحيم» جزء سوره حمد و بقیه سوره ها است. و در نماز هم باید به صورت

جهر خوانده شود. به عنوان نمونه:

یکم: عیون اخبار الرضا 7 و امالی صدوق به سند خود از امام عسکری 7 روایت می‌کند: از حضرت علی 7 پرسیده شد: آیا «بسم الله الرحمن الرحيم» از فاتحة الكتاب است؟ فرمود: بلی. رسول خدا «بسم الله الرحمن الرحيم» را همواره قرائت می‌کرد و آن را آیه‌ای از حمد می‌دانست، که هفت آیه است (ابن بابویه، ۱۴۰۰، ص ۱۷۵).

دوم: روایت صحیح شیخ طوسی از محمد بن مسلم از ابی عبدالله 7 که فرمود: «بسم الله الرحمن الرحيم جزء سوره و افضل از همه آیات آن است» (طوسی، ۱۳۶۵، ص ۲۸۹).

سوم: علل الشرایع صدوق با سند خود از «ابن اذینه» روایت نموده است: به نام من آغاز کنید و از این جهت، آغاز سوره‌ها، با «بسم الله الرحمن الرحيم» است (ابن بابویه، ۱۴۰۰، ص ۳۱۵).

چهارم: روایت محمد بن مسلم از امام صادق 7 که فرمود «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» از آیات هفت‌گانه سوره حمد است: «أَخْرَجَ الشَّيْخُ فِي «التَّهْذِيبِ» عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ 7 عَنِ السَّبْعِ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، أَهِيَ الْفَاتِحَةُ؟ قَالَ: «نَعَمْ»، قُلْتُ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنَ السَّبْعِ؟ قَالَ: نَعَمْ، هِيَ أَفْضَلُهُنَّ» (طوسی، ۱۳۶۵، ص ۲۸۹).

پنجم: روایت کلینی از معاویه ابن عمار از امام صادق 7 که در پاسخ از این که هنگام نماز بسم الله را قرائت کنم؟ فرمود: بلی: «أَخْرَجَ الْكَلْبِيُّ عَنِ مَعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ 7: إِذَا قُمْتَ لِلصَّلَاةِ أَقْرَأْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي فَاتِحَةِ الْكِتَابِ؟ قَالَ: نَعَمْ» (کلینی، ۱۳۶۲، ص ۳۱۲).

ششم: مؤید این روایات حدیث مشهور نبوی است: «كُلَّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يَبْدَأُ بِبِسْمِ اللَّهِ أَقْطَعُ، وَكُلَّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يَبْدَأُ فِيهِ بِبِسْمِ اللَّهِ فَهُوَ أُبْتَرُ أَوْ أَجْذَمُ» (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۱۹۸)؛ زیرا معنی ندارد، قرآن که افضل کتب آسمانی که به واسطه آن تحدی شده است، خالی از بسم الله باشد و در نتیجه نعوذ بالله «اقطع و اجذم» شود.

آیا معنی دارد، نمازی که خیر العمل است از بسم الله خالی باشد!! سخنی که هیچ فاسق و فاجری حاضر نیست به خدا نسبت دهد، هرچند مالک، اوزاعی، ابوحنیفه و هر مجتهدی در استنباط از ادله شرعی معذورند، چه صواب کنند و چه خطا.

روایت معارض در شیعه

اما روایت معارض در شیعه فقط از ابن جنید مبنی بر این که «بسم الله برای آغاز غیر سوره حمد است» به نظر صاحب جواهر حمل بر تقیه و یا این که قصد قرائت سوره حمد را نداشته است، می‌شود: «نعم شد ابن الجنید فذهب إلى أنها افتتاح في غير الفاتحة لبعض النصوص المحمول على التقية، أو على إرادة عدم قراءة السورة مع الفاتحة، أو غير ذلك» (نجفی، ج ۹، ص ۲۹۷).

اختلاف اهل سنت در مسئله و علت آن

با توجه به مباحث گذشته، جزئیت «بسم الله» در سوره حمد و بقیه سوره‌ها، غیر قابل تردید است. ولی یک جریان تاریخی، منشأ اختلاف شده است و آن عبارت است از: شافعی در کتاب امّ و حاکم در مستدرک، و بیهقی در سنن، و فخر رازی، از انس ابن مالک، نقل کرده‌اند: معاویه در مدینه‌النبی، در نماز جماعت، «بسم الله الرحمن الرحيم» را قرائت نکرد، پس از سلام نماز، مهاجرین و انصار از هر مکانی به او اعتراض کردند، که «اسرقت الصلوه؟ ام نسیت؟» از نماز سرقت کردی؟ یا بسم الله را فراموش کردی؟ گفت: فراموش کرده‌ام. و سپس نماز را اعاده کرد (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸).

از این روایت استفاده می‌شود که سیره و روش صحابه‌ای که با پیامبر ﷺ زیستند و با او نماز خواندند و تابعان، قرائت «بسم الله» در سوره فاتحه بود که همگی اعتراض نموده‌اند و معاویه هم، راهی جز عذرخواهی نداشت.

بیهقی می‌نویسد: سنت این بود که «بسم الله الرحمن الرحيم» را قرائت می‌نمودند و اولین کسی «بسم الله» را پنهان نمود، عمرو ابن سعید بن عاص (والی معاویه) در مدینه بود که مردی با حیا و شرمسار بوده است: «.. کان رجلاً حیی» (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸). براساس داستان فوق است که «ابن زبیر» ترک بسم الله را، ناشی از «تکبر و غرور» قلمداد نموده است.

سیوطی در اتقان، از «سعید بن جبیر» از ابن عباس نقل نمود: شیطان «عامل سرقت» عظیم‌ترین آیه قرآن شده است (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۸۰). و نظیر آن را بیهقی در سنن آورده است. به دنبال این ماجرا، چند روایت «ضعیف اهل سنت» زمینه‌ساز اختلاف بین فقهای اهل

سنت شده است. بر این اساس، «شافعی» آن را جزء سوره فاتحه دانسته و قرائت آن را واجب شمرده است. «مالک» و «اوزاعی» آن را از قرآن ندانسته‌اند و آن را در سوره قرائت نکرده‌اند و «ابوحنیفه» به صورت پنهان قرائت می‌نمود، ولی موضع‌گیری نکرد، که جزء سوره است یا خیر؟ و «حنفیه» از ورود در بحث پرهیز داشته و سکوت اختیار نموده‌اند.

ادله نفی‌کنندگان جزئیت

آن دسته از مذاهب که «جزئیت بسم الله» را در آغاز سوره‌ها انکار کرده‌اند، به توجیهاتی تمسک نموده‌اند، که عبارت است از:

دلیل اول منکران جزئیت بسم الله

تنها راه ثبوت قرآن تواتر است و هر چیزی که مورد نزاع واقع شود، معلوم است که از قرآن نیست؛ زیرا در صورت نزاع، دیگر تواتر معنی نخواهد داشت و جزئیت بسم الله محل اختلاف و نزاع مسلمانان است (خویی، ۱۴۰۸، ص ۴۷۶).

نقد و بررسی:

در جواب می‌توان گفت: اولاً، جزئیت «بسم الله» هم به نظر برخی از اهل سنت هم «متواتر» است. فخر رازی می‌نویسد: به نظر من نقل متواتر ثابت است، در این که «بسم الله..» سخن منزل الهی به پیامبر ﷺ است و در مصحف هم به عنوان «مصحف قرآن» ثابت است. در این صورت بحث از این که آیا جزء قرآن است یا نه، اثری ندارد، مگر احکام شرعی خاص قرآن مانند: وجوب قرائت در نماز، جواز قرائت برای جنب، و جواز مس آن برای محدث «بدون طهارت». که این‌ها احکام اجتهادیند، و از نظر پیروان اهل بیت : هم، اگر در تواتر نزد اهل سنت تردید شود، تواتر اهل بیت محل نزاع نیست. ثانیاً: مخالفت گروه اندک، ضرری به تواتر نمی‌زند؛ زیرا با توجه به شهادت صحابه و تابعان و دلالت روایات به صورت «تواتر معنوی»، جزئیت بسم الله غیر قابل انکار است. ثالثاً: متواتراً ثابت شده است که: پیامبر ﷺ در حالی که در مقام بیان بود، در آغاز هر سوره «بسم الله الرحمن الرحیم» را قرائت می‌نمود و این دلالت می‌کند که «بسم الله» از قرآن است. همچنین روایات فریقین نیز مؤید این سیره مسلمانان است. لذا حتی خبر واحد دال بر جزئیت سوره حمد، کفایت از مقصود می‌کند؛ زیرا اصل جزئیت

آیه بعدی از آن رب خواهد شد و روایت معنی خود را پیدا می‌کند.

۵. احتمال این است که تقسیم از نوع معنوی باشد و نه مادی. مانند: «واجبات نصف علم است» و یا این که «در حالی هستم که نصف مردم از من غضبناکند» به واسطه این که برخی از مردم از او راضی و برخی هم ناراضی هستند.

وسماه بالنصف من حیث أنه بحث عن أحوال الأموات، والموت والحياة قسماً، وقال شريح: أصبحت ونصف الناس على غضبان، سماه نصفاً من حیث إن بعضهم راضون وبعضهم ساخطون.

۶. روایات باب، صریح در جزئیت است، ولی روایت مورد استناد آنان چنین نمی‌باشد.

۷. پذیرش نظریه جزئیت به احتیاط نزدیک‌تر است: «الخامس: أنا بینا أن قولنا أقرب

إلی الاحتیاط» (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۱۷۸).

دلیل سوم منکران جزئیت بسم الله

روایت قتاده، از انس بن مالک: پیامبر ۶، ابی بکر، عمر و عثمان، در نماز «بسم الله الرحمن الرحیم» را قرائت نکرده‌اند: «صلیت مع رسول الله ۶ و ابی بکر و عمر و عثمان، فلم اسمع أحد منهم، یقرء بسم الله الرحمن الرحیم» (ابن حنبل، بی تا، صص ۱۷۷ و ۲۷۳).

نقد و بررسی:

در نقد بررسی دو روایت اختلاف‌برانگیز فوق می‌توان گفت: روایت اول، از چند جهت، مورد پرسش نقادانه است:

۱. روایت فوق معارض با روایات متواتر شیعه و اهل سنت است، که همگان دلالت بر جزئیت بسمله داشته‌اند.

۲. مخالفت و تعارض با سیره مسلمانان و شهرت بین آنان، داشته است. به نحوی که معاویه، زمانی که در نماز بسمله، را ترک نمود، با اعتراض مهاجر و انصار قرار گرفت که: بسم الله را سرقت کردی؟ یا فراموش کردی؟ (اسرقت؟ أم نسیت؟)

۳. مخالفت و تعارض با روایات زیادی که، از خود انس به عنوان راوی این حدیث نقل شده است که، براساس آنها، پیامبر ۶ همواره حمد را با «بسم الله الرحمن الرحیم» قرائت می‌فرمودند (بیهقی، ۱۴۱۰، ص ۴۶).

دلیل چهارم منکران جزئیت

روایت یزید بن عبدالله: با پیامبر ﷺ و ابابکر و عمر و عثمان، نماز خواندم، که «بسم الله الرحمن الرحيم» را قرائت نکرده‌اند (ابن حنبل، بی تا، ص ۸۵).

نقد و بررسی:

صرف نظر از جواب‌های قبل، باید گفت این روایت در بردارنده، مخالفت با یکی از ضروریات اسلام است، زیرا ادعای اینکه احدی از پیامبر ﷺ و خلفا و صحابه «بسم الله الرحمن الرحيم» را قرائت نمی‌کردند، نوعی «ادعای بدعت» است؛ زیرا احدی از صحابه و تابعان، با گفتن بسم الله برای تیمن و تبرک مخالفتی نکرده است (خویی، ۱۴۰۸، ص ۴۷۴).

نتیجه

۱. بر اساس تحقیق معین شد که در عصر پیامبر ﷺ و خلفای راشدین، به جزئیت بسمله و حتی جهر به آن عمل می‌شد و چنین امری محل بحث و نزاع نبوده است.
۲. ریشه اختلاف و نزاع به واسطه نماز بدون بسمله معاویه بود که مورد اعتراض صحابه و تابعان قرار گرفت و به ناچار وادار به عذرخواهی شد.
۳. سپس جریان حکومت اموی به این انحراف ادامه داده و با توجه چند روایت ضعیف به اختلافات دامن زده شد.
۴. در عین حال، بر اساس روایات متواتر و اجماع صحابه، تابعان، قاریان و سیره مسلمانان در کتابت و قرائت قرآن و دلائل یازده‌گانه در متن جزئیت بسمله غیر قابل انکار است.
۵. اما از نظر شیعه بر اساس اتفاق و اجماع روایات صحیح و دلائل دیگر، جزئیت بسمله جای چون نداشته و روش شیعه بر جزئیت و جهر به بسمله است.

منابع و مأخذ

۱. قران کریم
۲. ابن ادريس، محمد بن احمد (۱۴۰۰ق). الأم مع مختصر المزني. ج ۱، بيروت: دار الفكر.
۳. ابن بابويه، محمد بن علي (۱۳۷۸ق). عيون أخبار الرضا. تهران: نشر جهان.
۴. _____ (۱۴۰۰ق). علل الشرائع. قم: داوری.
۵. _____ (۱۴۰۴ق). من لا يحضره الفقيه. قم: جامعه مدرسین.
۶. ابن جزی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق). كتاب التسهيل لعلوم التنزيل. تحقيق عبدالله خالدی، بيروت: دار الارقم.
۷. ابن حنبل، احمد بن محمد (بی تا). مسند أحمد. ج ۳، موقع وزارة الأوقاف المصرية.
۸. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق). تفسير القرآن العظيم. ج ۱، تحقيق محمد حسين شمس الدين، بيروت: دار الكتب العلمية.
۹. ابن ماجه، محمد بن يزيد (بی تا). سنن ابن ماجه. موقع وزارة الأوقاف المصرية.
۱۰. ابوداود، سليمان بن أشعث (۱۴۲۱ق). سنن أبي داود. تحقيق محمد محبی الدين عبدالحمید، بيروت: دار الفكر.
۱۱. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظيم. ج ۱، تحقيق علی عبدالباری عطية بيروت: دار الكتب العلمية.
۱۲. امام عسکری ۷ (۱۴۰۹ق). التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری ۷. قم: مدرسه امام مهدي.
۱۳. بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: بنیاد بعثت.
۱۴. بخاری، محمد ابن اسماعیل (۱۴۰۷ق). صحيح البخاری. بيروت: دار القلم.
۱۵. بیهقی، أبوبکر أحمد بن حسین (۱۴۱۰ق). شعب الإيمان. بيروت: دار الكتب العلمية.
۱۶. _____ (بی تا). السنن الكبرى وفي ذيله الجوهر النقي. ج ۲.
۱۷. ترمذی، محمد بن عيسى (بی تا). سنن الترمذی. موقع وزارة الأوقاف المصرية.

۱۸. ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق). *الكشف و البيان عن تفسير القرآن*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۹. جزیری، عبدالرحمن؛ غروی، سید محمد؛ یاسر، مازح (۱۴۱۹ق). *كتاب الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت*. بیروت: دار الثقلمین.
۲۰. حاکم، محمد بن عبدالله (۱۴۱۱ق). *المستدرک علی الصحیحین*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۱. حسکانی، عبیدالله بن احمد (۱۴۱۱ق). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*. تحقیق محمد باقر محمودی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
۲۲. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعة*. قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
۲۳. حلی، جمال‌الدین بن حسن (بی‌تا). *تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة*.
۲۴. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۸ق). *البيان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار الزهراء.
۲۵. دارقطنی، علی بن عمر (بی‌تا). *سنن الدارقطنی*. ج ۱، موقع وزارة الأوقاف المصریة.
۲۶. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن (۱۴۰۷ق). *سنن الدارمی*. تحقیق مصطفی دیب البغا، بیروت: دار ابن کثیر.
۲۷. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). *الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. ج ۱، بیروت: دار الكتاب العربی.
۲۸. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴ق). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*. ج ۱، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۲۹. _____ (۱۴۰۹ق). *الاتقان فی علوم القرآن*. ج ۱، بیروت: دار ابن کثیر.
۳۰. شهید اول، محمد بن مکی (بی‌تا). *ذکر الشیعة فی أحكام الشریعة*.
۳۱. شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۴). *فتح القادیر*. بیروت: دار ابن کثیر.
۳۲. شیخ بهایی، محمد بن حسین (۱۴۲۷ق). *العروة الوثقی*. قم: مرکز العلوم والثقافة الاسلامیة.
۳۳. طباطبائی حکیم، سید محسن (۱۴۱۶ق). *مستمسک العروة الوثقی*. ج ۶، قم: مؤسسه دار التفسیر.
۳۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۵. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفة.

۳۶. طبسی نجفی، محمدرضا (۱۳۷۹ق). درر الاخبار فیما يتعلق بحال الاختصار. نجف: مطبعة النعمان.
۳۷. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن. تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۸. _____ (۱۳۶۵). تهذیب الأحکام. ج ۲، تهران: اسلامیة.
۳۹. _____ (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیة. تهران: مرتضوی.
۴۰. _____ (۱۴۱۴ق). الأمالی. قم: دار الثقافة.
۴۱. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰ق). اللمعة دمشقیة فی فقه الإمامیة. تحقیق محمد تقی مروارید؛ علی اصغر مروارید، بیروت: دار التراث.
۴۲. عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱ق). مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام. بیروت: مؤسسه آل البيت.
۴۳. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق). نور الثقلین. تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۴۴. عسکری، سید مرتضی (۱۳۸۲). نقش ائمه در احیای دین. ج ۲، تهران، مرکز فرهنگی انتشارات منیر.
۴۵. رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب معروف به تفسیر الکبیر. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۶. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحکام القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲). الکافی. ج ۳، تهران: انتشارات اسلامیة.
۴۸. مالک بن انس (۱۳۸۲). الموطأ. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
۴۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۵۰. نجفی، محمدحسن بن باقر (بی‌تا). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. ج ۹، محقق شیخ عباس قوچانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۱. نسایی، أحمد بن علی (بی‌تا). سنن النسائی.
۵۲. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل. قم: مؤسسه آل البيت.
۵۳. نیشابوری، محمد ابن فتال (بی‌تا). روضة الواعظین. قم: منشورات الرضی.